

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۲۱

موضوع: « روش مقابله با فرقه احمد بصری»

استاد آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت، سپاس می‌گوییم و خدا را شاکریم که توفیقمان داد در این مکان مقدس در محضر شما بزرگواران و مدافعان حریم ولایت حضور داشته باشیم.

موضوع بحث همان‌طوری که قبلاً اشاره شده قضیه «احمد بصری» یا «احمد الحسن» است، ایشان مدعی است: «من، فرزند حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هستم پدرم به من دستور داده برای آمدنش زمینه را فراهم کنم! یکی از عوامل عدم ظهور حضرت ولیعصر وجود حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید است! که ما باید این‌ها را پانصد تا پانصد تا نابود کنیم و از بین ببریم تا زمینه آمدن حضرت ولیعصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) فراهم شود!» در حقیقت اگر بخواهیم در یک جمله بحث «احمد بصری» را مطرح کنیم همین است.

عزیزان قطعاً در این زمینه اطلاعات کافی و وافی دارند و ما هم بنا به فرمایش برادر بزرگوارمان «حضرت آیت‌الله اعرافی» جزوهای تدوین کردیم و از طرفداران «احمد بصری» پنجاه سوال مطرح کردیم و تلاش هم شد که اساسی‌ترین چیزی که این‌ها را به چالش می‌اندازد در این جزوه کوچک جیبی ما آوردیم، ان شاء الله خدمت بزرگواران تقدیم می‌شود.

این‌ها هر سال در راهپیمایی اربعین در موکب‌های مختلف هر سال برنامه داشتند و تبلیغ می‌کردند بروشور در اختیار افراد قرار می‌دادند، من سال گذشته با بچه‌های امنیت «کربلا» جلسه‌ای داشتیم می‌گفتند نزدیک ۶۰ موکب این‌ها بین «نجف» و «کربلا» دارند و در حال تبلیغ هستند.

مشایی اربعینی یک زمینه‌ی گسترده‌ای برای تبلیغ گسترده این‌ها شده امسال هم با هماهنگی بعضی از مراکز، ما حدود پنجاه، شصت تا از طلبه‌هایی که در سطح کشور با این‌ها کار می‌کنند و درگیر هستند و مناظرات متعدد با این‌ها؛ چه در فضای مجازی یا در فضای حقیقی دارند را قبل از اربعین به «قم» دعوت کردیم این‌ها از شهرهای مختلف از «مشهد» گرفته تا «اهواز» و... بودند.

یک نشست دو سه روزه ما با این‌ها داشتیم، در مورد روش‌های برخورد با این‌ها بحث شد و اساسی‌ترین روش‌های جذب این‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و کیفیت برخورد با این‌ها بررسی شد، جلسات خیلی خوبی بود و روز آخر هم حاج آقای «اعرافی» تشریف آوردند اضافه از حمایت معنوی صحبت‌های خوبی هم برای این عزیزان مان داشتند.

الحمد لله ورود این حقیر باعث شد که امسال این‌ها با این‌که از سال‌های گذشته مقتدرتر در راهپیمایی اربعین آمده بودند شش هفت روز مانده به اربعین این‌ها با بچه‌های ما برخورد کردند، نسبت به خانم‌هایی که آن‌جا بودند برخورد خیلی زشت و وقیحی کردند ما هم با دوستان «حشد الشعبی» که ارتباط خیلی تنگاتنگی داریم و مرتب روحانیونی که در «حشد الشعبی» مشغول هستند به این‌جا می‌آیند، دو سه هفته جلساتی با این‌ها داریم، تماس گرفتیم با کنسولگری تماس گرفتیم دوستان با «مسئول امنیتی نجف» تماس گرفتند.

سه روز مانده به اربعین دوستان احساس کردند که این‌ها کارشان برای امنیت «عراق» خطر دارد، موکب‌شان را بستند و پرچم‌های‌شان را پاره کردند و آن‌هایی که دعوت می‌کردند را دستگیر کردند الحمد لله رب العالمین بساط‌شان امسال برای اولین بار دو سه روز مانده به اربعین برچیده شد!

کار به جایی رسید که «احمد الحسن» - که ما نمی‌دانیم زنده یا مرده است و یا اصلاً وجود خارجی داشته یا نداشته! الان کجا است در «امارات» یا به نقل آقایان به «استرالیا» رفته - رسماً بیانیه‌ای دو سه صفحه‌ای داد نسبت به بچه‌های ما با ادبیات خیلی زشت و مملو از دروغ خطاب کرد. یعنی در یک بیانیه ایشان چندین دروغ شاخص و واضح بود.

بعد از آن چند شب قبل سرکنسول ما در عراق به منزل ما آمده بود گفت پیروان «احمد الحسن» به «استانداری نجف» رفته بودند و تحصن کرده بودند که چرا به ما اجازه تبلیغ نمی‌دهید؟

الحمد لله امسال برای اولین بار این قضایا اتفاق افتاد و اتفاق خوبی بود الان هم در فضای مجازی دوستان اگر حضور ذهن یا مراجعه داشته باشند تقریباً می‌شود گفت در این ۱۹ سال، تاریک‌ترین دوران را طرفداران «احمد الحسن» در فضای مجازی دارند سپری می‌کنند.

البته بنده در ابتدا تصمیم نداشتم که در جریان احمد ورود پیدا کنم چون ما گفتیم کارها اگر تقسیم بندی هم بشود غیر از «وهابیت» به ما سهمی نمی‌رسد ما ۲۵ - ۳۰ سال است که با وهابیت سر و کله می‌زنیم بس مان است، حتی غالب اوقات وقتی می‌خواهیم در خواب هم با این «وهابی»ها سر و کله می‌زنیم!

همین «احمد الحسن» سال ۱۴۲۶، حدود ۱۴ سال قبل نامه‌ای برای علما نوشت نفر دوم اسم بنده را نوشته بود و برای مناظره دعوت کرده بود، ما ارزش خیلی زیاد برایش قائل نشدیم، در نامه‌اش دارد: «رسالة الی السید القائد و عدد من العلماء» اولین نفر را «مقام معظم رهبری»، نفر دوم اسم ما را آورده بود بعد هم بزرگواران دیگر را مطرح کرده بود؛ ولی ما همان شعاری که همیشه در حوزه دادیم و مایه بدبختی ما بوده «الباطل یموت بترک ذکره»! را مدّ نظر داشتیم. معمولاً وقتی قضیه‌ای پیش می‌آید انحرافی در جامعه پیش می‌آید تا این انحرافات داخل خانه ما نشود خودمان و نزدیک‌مان گرفتار نشوند یا اتفاق بدی برای خود ما نیفتد ما جدی نمی‌گیریم.

در قضایای «احمد الحسن» ما بارها با بزرگواران و مراجع عظام صحبت کردیم همین «الباطلُ يموتُ بترك ذكره» را گفتند؛ ولی در یکی دو سال اخیر که عده‌ای از طلبه‌های «حوزه علمیه قم» حتی بعضی از افرادی که مدت‌ها «رسائل»، «مکاسب» و غیره را تدریس دارند، متأسفانه جذب این‌ها شدند و مبلغ این‌ها شدند، بعضی از بزرگواران حوزوی را به این وا داشت که در این زمینه ورود داشته باشند.

آنچه که بعضی از دوستان امنیتی به ما گفتند در «قم» بیش از ۲۴۰-۲۵۰ تا از طلبه‌ها به عنوان اتباع و یا به عنوان مبلغ جذب این‌ها شدند. این‌ها دارند در سطح گسترده تبلیغ می‌کنند در اطراف حرم مرتب قبل و بعد از نماز صبح بروشورهایی را توزیع می‌کنند در داخل حرم امام رضا به همین شکل در کیوسک تلفن بروشور می‌چسبانند در کنار عابر بانک‌ها تبلیغات دارند.

البته دوستان ما مرتب از این‌ها تصویر می‌گیرند و برای ما می‌فرستند آنچه که مهم است و عزیزمان هم الان می‌فرمودند یکی دو روز قبل اتوبوسی که از «قم» به «جمکران» می‌رفته یکی از اتباع «احمد الحسن» را دیده که در داخل اتوبوس مشغول تبلیغ بوده است!

در رابطه با این طیف، با تجربه‌ای که بنده در رابطه با وهابیت دارم توفیق الهی بود که ما در «عربستان سعودی» بیش از ۲۳۰-۲۴۰ مورد با وهابی‌ها بحث داشتیم، از مفتی اعظمش گرفته تا دانشجویان دانشگاه «ام القری» یا دانشگاه «محمد ابن سعود ریاض» یا «جامعه اسلامی مدینه» در این ۲۳۰-۲۴۰ جلسه تجربیات خوبی کسب کردیم این را هم من از تفضلات خداوند تبارک و تعالی و عنایت حضرت ولیعصر می‌دانم.

در این بحث‌ها انسان دو مرتبه زمین می‌خورد و دو مرتبه زمین می‌زند و در نهایت تجربه خوبی به دست می‌آورد. من با بزرگوارانی که در این موضوع دارند کار می‌کنند هفتگی با آن‌ها جلسه دارم روزهای شنبه «موسسه حضرت ولیعصر» تشریف می‌آورند و دوستانی که در مورد «احمد الحسن» مدت هفت هشت سالی است که کار می‌کنند این که ما با این‌ها باید چگونه برخورد کنیم؟ اصلاً برخورد و بحث علمی با این‌ها فایده دارد

یا ندارد؟ عزیزان این را به عنوان یک قاعده کلی، از ما داشته باشند با خیلی از جریان‌های انحرافی بحث علمی فایده‌ای ندارد.

اگر شما بخواهید بحث‌های علمی بکنید بحث‌های علمی، توجیه بردار و توجیه پذیر است، شما هر چه بخواهید با این‌ها در مسائل علمی ورود پیدا بکنید این‌ها می‌گردند یک روایت ضعیف و جعلی در برابر شما پیدا می‌کنند یا روایتی می‌خوانید می‌گوید آقا من این‌طوری می‌فهمم! شما آن‌طور می‌فهمی فهم شما برای خودت فهم من برای خودم! ولی بحث‌های جدلی و بحث‌های تناقض‌گویی وقتی پیش می‌آید دیگر بحث‌های جدلی تأویل بردار و توجیه پذیر نیست یکی از دوستان‌مان که با ما کار می‌کند یک ماه و نیم قبل در «تهران» با تعدادی از این افرادی که اهل جلسات عزاداری بودند در یکی از هیئت‌های مشهور «تهران» که جذب این‌ها شده بودند، صحبت و گفتگو داشت. یکی از اساتیدی که در آن مجلس حضور داشت و هفت هشت سال در این موضوع کار می‌کند به من گفت: من شاید بیش از پنجاه شصت تا مناظره با این‌ها داشتم؛ این بحثی که دوستان شما داشتند، برای من خیلی جالب بود ما این همه بحث‌هایی که داشتیم این‌طور فی المجلس نتیجه نداد، بحث این‌که من مدعی هستم حدیث وصیت و غیره را می‌خواند گفت ما هر چه گفتیم طرف زیر بار نمی‌رود.

گفتم شما در این هیئت که به عنوان عشق به آقا امام حسین حضور دارید، وقتی احمد بصری می‌گوید امام حسین مشرک بوده چه کار می‌کنید؟ گفت چنین چیزی امکان پذیر نیست. گفتم بفرمایید این کتابش! کتاب را خواند گذاشت روی زانویش دوباره خواند. برای بار سوم شروع کرد به ناسزا گفتن و لعنت کردن «احمد الحسن»!

گفتم شما اگر بیایید پنجاه ساعت با این‌ها بحث بکنید همه این‌ها بچه مذهبی هستند همه علاقه‌مند به اهل بیت هستند، (معلوم نیست قانع شوند). چند سال قبل حضرت آیت‌الله العظمی «سبحانی» به من تلفن کرد، فلانی

یکی از مبلغین وهابی که ۲۰ - ۲۵ سال مبلغ بوده برگشته و توبه کرده و به «قم» آمده اگر مانعی نباشد ایشان بعد از مغرب به منزل شما بیاید و با ایشان صحبت کنید گفتم حرفی ندارم.

یک فردی حدود ۴۰ - ۴۵ ساله آمد گفت من در «دانشگاه اسلامی مدینه» درس خواندم در «ترکیه» فلان جا بودم در «آلمان»، مرکز اسلامی فلان رفتم و تا به حال هم چند صد نفر از سنی‌ها و شیعه‌ها را وهابی کردم، گفتم چطور شد برگشتی؟ -ایشان اهل «اردبیل» بود- گفت ما جلسهای داشتیم، مربی ما به ما گفت روز تاسوعا در «اردبیل» جلسه عزاداری آقا قمر بنی هاشم به قولی چند ده هزار جمعیت جمع شده بودند همه یا قمر بنی هاشم، یا ابالفضل می‌گفتند همه این‌ها شرک است مردم را توجیه کنید!

گفت من عصبانی شدم گفتم به من گفتی یا رسول الله شرک است گفتم قبول؛ یا علی شرک است گفتم قبول؛ یا حسین شرک است گفتم قبول؛ ولی یا ابالفضل را نمی‌توانم بگویم شرک است!! می‌گفت در همان جلسه کتاب را به زمین کوبیدم و بیرون آمدم!

بینید بعضی وقت‌ها طرف روی بعضی از قضایا حساسیت دارد بعد از ۲۰ - ۲۵ سال تبلیغ یک دفعه یک جرقه‌ای در ذهنش می‌زند، تمام یافته‌ها و بافته‌های خودش را به هم می‌ریزد این‌هایی که جذب «احمد الحسن» شدند همه‌شان مذهبی و علاقه‌مند به حضرت ولیعصر هستند روی عشق به امام زمان و امیر المؤمنین دارند به این طرف می‌روند.

وقتی می‌خواند و می‌بیند که «احمد الحسن» نسبت به امیر المؤمنین جسارت می‌کند می‌گوید:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ)

که واقعا انسان دستخوش زیان است.

سوره والعصر (۱۰۳): آیه ۲

درباره علی ابن ابیطالب است! «وكان الانسان اكثر جدلاً» مال علی ابن ابیطالب است که وهابیت همین را دارد، روایات امام صادق خلاف این را مطرح می‌کند قطعاً این جوان به خودش می‌آید این چطور فرزند امام زمانی است؟! چطور می‌خواهد زمینه را برای حضرت ولیعصر فراهم کند که نسبت به امیر المؤمنین این‌طور جسورانه اهانت می‌کند؟! نسبت به حضرت سید الشهداء به این شکل، نسبت به رسول اکرم به این شکل، نسبت به انبیاء به این شکل دارد برخورد می‌کند؟

ولذا اگر ما در رابطه با این جریان به جای بحث علمی، بحث‌هایی بکنیم که احساسات طرف را سریع تحریک می‌کند، عواطف طرف را به حرکت در می‌آورد اگر از این مسائل مطرح کنیم تجربه هم نشان داده از ده مورد، هفت مورد نتیجه داده است، حالا شاید سه مورد هم نتیجه ندهد، طرف به قدری جذب این شده باشد در یوتیوپ است به قول یکی از وهابی‌ها صراحتاً می‌گوید «ابن تیمیه» گفته توسل شرک است پیغمبر هم اگر زنده بشود و از قبر بیرون بیاید بگوید توسل شرک نیست ما از پیغمبر هم قبول نمی‌کنیم! این را چه کار باید کرد؟

این همان:

(وَفُودُهَا النَّاسُ وَالْجِجَارَةُ)

سوره بقره (۲) آیه ۲۴

است. به این‌طور اشخاص جز آتش جهنم، چیز دیگری نمی‌تواند بفهماند که این مسیر اشتباه بوده است. در این جریان‌ها هم شاید از ده نفر، یک نفر، دو نفر، سه نفر هم آدم‌های لجوجی باشند و آدم‌هایی باشند که عناد دارند و نمی‌خواهند این قضیه را کنار بگذارند. یا افرادی هستند در آمدشان به این است. افرادی هستند مشکل شخصیتی دارند. الان همین «فتحیه» که از مبلغین این‌ها و از شاگردان حضرت آیت‌الله العظمی «جوادی آملی» است ما هفته گذشته خدمت ایشان بودیم گفتم حاج آقا یکی از تلفات کلاس شما همین «فتحیه» است که الان جزو مبلغین «حسن بصری» است! تقریباً در زبان فارسی قوی‌ترین مبلغ‌شان این است. شبکه ماهواره‌ای یا

رادیویی که راه انداختند عمدتاً بحث‌های این است. گفت این افراد یک مشکل شخصیتی دارند احساس می‌کنند اگر این‌جا آمدند آن مشکل شخصیتی‌شان حل می‌شود، به این‌ها اگر خود حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) هم بگوید این شخص، باطل است این نه فرزند من، نه نماینده من و نه رسول من است از حضرت هم قبول نمی‌کنند. همان‌طوری که از رسول اکرم، عده‌ای با دیدن آن همه معجزات قبول نکردند!

لذا نظر من این است که اگر به این صورت یک مقداری با این‌ها کار بکنیم نتیجه بهتری می‌گیریم تا بخواهیم مثلاً در رابطه با بحث‌های علمی با این‌ها بحث کنیم.

روشی که ما در رابطه با وهابیت داشتیم، بحث‌هایی که ما می‌آوردیم چه در شبکه و چه در جلسات حضوری عین جلد کتاب را نشان می‌دهیم، صفحه کتاب را هم نشان می‌دهیم می‌گوییم آقا شما بخوان شاید ما اشتباه می‌کنیم، ما یک زمانی در «شبکه ولایت»، «صحیح بخاری» را می‌آوردیم جلدش را نشان می‌دادیم حدیث را می‌خواندیم.

در شبکه‌های ماهواره‌ای گفتند آقای «قزوینی» می‌آید جلد «صحیح بخاری» را نشان می‌دهد یک صفحه خودش نوشته و وسط «صحیح بخاری» گذاشته برای مردم می‌خواند!

وقتی طرف جوابی ندارد و راهی برای فریب مردم ندارد «یتشبت بکلّ حشیش» به طور مثال «احمد الحسن» در کتاب «متشابهات» خود تعبیری دارد که تحدی هم می‌کند، می‌گوید هیچ کس حتی مراجع حوزه‌های علمیه هم توان جواب دادن به این کتاب را ندارند؛ یعنی در میان کتاب‌ها نسبت به این چهار جلد، متشابهاتش خیلی خاطر جمع است!

جانشین و فرستاده امام مهدی «سید احمد الحسن» ببینید ایشان در صفحه ۱۰۴ (من متن عربی‌اش را خدمت‌تان نشان می‌دهم) می‌گوید: «یونس در شکم ماهی مرد روحش به ظلمات جهنم نگریست و نیز به

طبقات پایین آن نگاه کرد» تا آنجا که می‌گوید در جهنم «قارون» را دید و با او سخن گفت، و این جهنمی که او دید جهنمی که در حال بزرگ شدن است.

همچنین در صفحه ۱۰۶ می‌گوید: من حقیقت را آشکار کنم جسد او در بیابان عریان و بی‌سرپناه افتاد (نستجیر بالله نستجیر بالله) روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن باقی ماند! این دیگر قابل توجیه نیست. می‌گوید روح حضرت یونس تا قیام قیامت (نستجیر بالله) در جهنم است. الان شما همین را بیاورید کنار آیه قرآن بگذارید قرآن چه می‌گوید؟ ببینید:

(وَدَا النُّونَ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)

و ذوالنون را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که معبودی جز تو نیست منزهی تو قطعا من از ستمکاران بودم. پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می‌دهیم

سوره انبیاء (۲۱): آیات ۸۷-۸۸

تعبیر قرآن نسبت به حضرت یونس این است ولی احمد الحسن می‌گوید نه، روحش در طبقات جهنم تا الی قیام قیامت ماند! همین آقای «فتحیه» به یک کلیپ ده دقیقه‌ای که از من پخش شد و پنج تا اشکال به مبانی این‌ها داشتم جواب داده و می‌گوید: آقای «قزوینی»! شما قرآن بلد نیستید بخوانید؟ قرآن می‌گوید:

(وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ)

آیا (وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ)؛ یعنی «نجیناه من الموت»؟ «نجیناه» از آتش جهنم؟ من نمی‌دانم حضرت یونسی که آنجا گرفتار است غمی بالاتر از این است که از شکم ماهی نجات پیدا کند؟ یعنی بالاتر از این غمی هم دارد؟ نه آقا (وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ)؛ یعنی خدای عالم او را طرف آتش جهنم فرستاد آنجا دیگر راحت بشود.

ما نفهمیدیم این (وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ) از شکم ماهی در آوردن داخل آتش جهنم شدن آیا این (وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ) است این چه لغتی است؟ (وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ).

و یا در سوره صافات تعبیرش این است که:

(وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّ الْمَشْحُونِ)

و در حقیقت یونس از زمره فرستادگان بود. آنگاه که به سوی کشتی پر بگریخت

سوره صافات (۳۷): آیه ۱۳۹

تا آنجا که دارد:

(فَتَبَدَّلْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ، وَأَبْنَيْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ، وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ، فَآمَنُوا

فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ)

پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکندیم و بر بالای [سر] او درختی از [نوع] کدوبن رویانیدیم و او را به سوی یکصد هزار [نفر از ساکنان نینوا] یا بیشتر روانه کردیم پس ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کردیم

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۴۵ تا ۱۴۸

قرآن به صراحت می گوید:

(فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)

و اگر او از زمره تسبیح کنندگان نبود قطعاً تا روزی که برانگیخته می شوند در شکم آن [ماهی] می ماند

سوره صافات (۳۷): آیات ۱۴۳ - ۱۴۴

تمام این‌ها از دیدگاه این آقا اشتباه است! یعنی قرآن نستجیر بالله متوجه نشده می‌گوید من یک حقیقتی برای شما بیان کنم؛ یعنی چیزی که نه قرآن بیان کرده نه انبیاء بیان کردند نه ائمه بیان کردند این آقا آمده به عنوان فرزند حضرت ولیعصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) می‌گوید من یک چیزهایی می‌فهمم بعد می‌گوییم این‌ها که فهمیدی چه است؟ می‌گوید آقای «قزوینی» این‌ها از متشابهات قرآن است مراجع نفهمیدند شما هم نفهمیدی ولی «احمد الحسن» فهمیده است!!

این دیگر چه متشابهی است؟ من چندین بار نوار این آقا را گوش کردم دیدم اگر انسان بخواهد برای «احمق هبثقه» مثال بزند شاید توهین و اهانت به «هبثقه» باشد که این‌طور کسی که خودش را به عنوان یک طلبه فاضل حوزه می‌داند می‌آید در برابر قرآن موضع می‌گیرد تا از کفریات یک (دجال) دفاع بکند.

اگر واقعاً این کفر و ارتداد نیست پس ما ارتدادی در اسلام نداریم! اصلاً کفر معنا ندارد قرآن می‌گوید ما او را نجات دادیم

(وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ)

می‌گوید این باید تا قیام قیامت در طبقات جهنم روحش بماند این خیلی واضح و روشن است.

پرسش:

چرا به حضرت یونس گیر دادند؟

پاسخ:

به همه گیر دادند، به حضرت ابراهیم گیر دادند کسی نمانده گیر ندهند، به پیغمبر اکرم گیر دادند اصلاً منکر ختم نبوت است می‌گوید چه کسی ختم نبوت گفته؟ این بحثی که ما در رابطه با حضرت ابراهیم (علیه السلام) داریم ایشان خیلی به صراحت نسبت به حضرت ابراهیم حرف‌هایی دارد.

شما ببینید این کتاب «المتشابهات» الجزء الاول و نویسنده «وصی و رسول الامام المهدي سيد احمد الحسن»! ایشان به صراحت می‌گویند ابراهیم (نستجیر بالله)

«لما كشف له ملكوت السموات ورأى نور المهدي ارواحنا له الفداء قال هذا ربي فلما رأى نور علي قال هذا ربي، فلما رأى نور محمد... ولم يستطع ابراهيم تميز انه عباد»

نتوانست تشخیص بدهد که این‌ها بنده هستند! یعنی حضرت ابراهیم بین این‌که نور رسول الله و امیر المؤمنین است یا خدا است نتوانست تشخیص بدهد! در حالی‌که هر کسی نور این‌ها را ببیند نورانیت این‌ها بر جسم و روح او سایه می‌افکند؛ ولی حضرت ابراهیم، نتوانست این‌ها را تشخیص بدهد.

شما ببینید نسبت به رسول گرامی باز هم در کتاب «المتشابهات» جلد ۴ دارد:

« وهذا غفران ذنب الباقي مع بقاء محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) »

ایشان به صراحت در ذیل آیه شریفه:

(لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ)

تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد

سوره فتح (۴۸): آیه ۲

می‌گویند مراد از این غفران ذنبی است که باقی است «مع بقاء محمد(صلى الله عليه وآله وسلم)»! این دیگر کاملاً واضح و روشن است یا در رابطه با بحث خاتمیت رسول اکرم در کتاب «النبوة الخاتمه» که نویسنده کتاب هم خودش است به صراحت اعلام می‌کند آیه شریفه را هم می‌آورد:

(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ)

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است

می گوید:

«تبيين مما تقدم أنّ ختم النبوة و اقصد بالختم هنا الانتهاء»

یعنی نبوت، پایان پذیرفت.

«إنتهاء النبوة وتوقفها امر غير صحيح»

قرآن می فرماید: (وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ) ولی احمد بصری می گوید نه آقا

«انتهاء النبوة وتوقفها امرٌ غير صحيح، اذا كان المراد بالنبوة هي الحصول الا مقام النبوة وبالتالي معرفة بعض

اخبار السماء من الحق والغيب لأن طريق الارتقاء الى ملكوت السماوات مفتوح»

دلیلش را هم بعد می آورد چون من با اخبار آسمان مرتبط هستم اخبار آسمانی به من می رسد، دلیل این است

که ختم نبوت صورت نگرفته است!

یا در عبارتهای دیگری که ایشان دارد در کتاب «الجواب المنير» می گوید:

«وقطعا لايمكن ان يكون محمدا (صلى الله عليه واله) هو ايضاً يبدوا على الاخرين الذين يأتون بعده رجوع الى

الله فلا بد أن يكون هناك رسول و ايضاً في الاميين»

تا آن جا که می گوید بعد از رسول اکرم هنوز نبوت پایان پذیرفته است تا آن جا که در «متشابهات» جلد ۴،

می گوید:

«المهديون الاثني عشر من ولد الامام المهدي»

که اولینش هم خودش است «ولاولهم» یعنی برای «احمد الحسن» دو مقام است

«مقاما الرساله والولاية»!

آیا شما کفری از این واضح‌تر و روشن‌تر می‌خواهید؟! دیگر کفری بالاتر از این که می‌گوید هم مقام رسالت و هم مقام ولایت دارم؟!!

یا در کتاب «نبوت خاتمه» اش صفحه ۳۷ می‌گوید این مهدیون که من از اولین‌شان هستم

«یتلقون وحیا من ملکوت الله سبحانه وتعالی بالرؤیا الصادقة ویعلمون بشیء من الغیب باذن الله ولبعضهم

مقام النبوة»

در آن جا بحث رسالت را مطرح کرد، این جا هم صراحتاً می‌گوید بعضی از مهدیین که اولینش من هستم مقام نبوت است

«وبعضهم رُسلٌ من الانبیاء المرسلین السابقین»

ما اگر قرآن را با این شخص که فریب این انحراف را خورده در یک کفه قرار بدهیم و عین عبارتهای ایشان چه فارسی و چه عربی در کفه دیگر بگذاریم بگوییم آقا بفرمایید اگر با روشن شدن این قضایا ببینیم باز هم عناد دارد می‌گوییم مبارکت باشد! ولی عرض کردم تجربه نشان داده در این‌طور مباحث جدلی، خیلی صریح طرف متوجه می‌شود.

یکی از دوستان‌مان به «بردسکن» رفته بود و در مناظره با یکی از خانم‌هایی که مبلغ جریان «احمد الحسن» بود، در جلسه بعد از ۴۰ دقیقه صحبت می‌گفت از این ۳۰ تا خانمی که در جلسه بودند بیش از ۲۰ نفرشان در جلسه شروع کردند به لعن «احمد»!

ببینید وقتی ما روشنگری‌های مان روی حساب باشد، روشنگری‌ها روی یک موازینی باشد که ما بیاییم ببینیم چرا این فرد جذب این آقا شده؟ آیا رفته حدیث وصیت را خوانده، بحث‌های علمی «احمد الحسن» را خوانده، یا نه روی این که تصور می‌کند منتظر آمدن حضرت ولیعصر است در اثر فشار اقتصادی، سیاسی و مشکلات دیگر هر روز هم در نمازش «اللهم عجل لولیک الفرج» دعا می‌کند تصور می‌کند که با این بشارت‌ها دعایش هم به

اجابت رسیده، تصور می‌کند که آمدن حضرت مهدی نزدیک شده؛ پس نماینده‌اش آمد و فردا - پس فردا خودش هم می‌خواهد تشریف بیاورد.

یعنی با این اعتقاد پاک و مقدس می‌آید جذب می‌شود ما باید با همین اعتقاد مقدس این را روشن کنیم.

یا در رابطه با حضرت امیر (سلام الله علیه) تعبیرش خیلی سخیف است که آدم نمی‌داند باید چه کار کند؟ شما

ببینید این کتاب «متشابهات» جلد ۴ است در این کتاب دارد:

(وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا)

ولی انسان بیش از هر چیز، به مجادله می‌پردازد!

سوره کهف (۱۸) ۵۴

در اهل سنت یک داستانی درست کرده‌اند که حضرت امیر (سلام الله علیه) با حضرت زهرا خواب مانده بودند، نماز صبح‌شان قضا شده بود و این آیه نازل شد! احمد بصری هم همین تعبیر را در رابطه با حضرت امیر (سلام الله علیه) آورده و انسان در این آیه یعنی علی ابن ابیطالب و انسان هرگاه گمراه شود به باطل مجادله می‌نماید، تعبیر عربی‌اش هم همین است:

«ما معنی قول وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا؟ ... والانسان هو علي بن ابیطالب اما الانسان اذا انتكس فانه

يجادل بالباطل»

یا در آیه شریفه:

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ)

که واقعا انسان دستخوش زیان است

سوره العصر (۱۰۳): آیه ۲

جواب: امیر المؤمنین (سلام الله علیه) همان انسان است! و او در خیر و زیان است نسبت به حضرت رسول اکرم و مقام حضرت بالاتر از او است این تعبیر ایشان است که (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) می‌گوید این در رابطه با حضرت علی است این هم متن عربی اش امیر المؤمنین علی (علیه السلام)

«فهو الانسان وهو في خسرٍ نسبةً الى محمد (صلى الله عليه واله وسلم)»

شما روایت را ببینید این «کمال الدین» شیخ صدوق است که از امام صادق روایت دارد:

«سألت الصادق جعفر بن محمد عليهما السلام عن قول الله عز وجل : والعصر ان الانسان لفي خسر قال :

العصر عصر خروج القائم عليه السلام " ان الانسان لفي خسر " يعنى أعدائنا»

صدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۵۶، تحقیق :

تصحیح و تعلیق : علي أكبر الغفاري، ناشر: قم، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين ، محرم الحرام

۱۴۰۵ - ۱۳۶۳ ش

کاملاً در تقابل با تفسیر امام صادق (سلام الله علیه) است.

باز در کتاب «اقبال الاعمال» سید تعبیر این است:

«إن الانسان لفي خسر اعداء آل محمد صلى الله عليه واله وسلم»

یا در «مناقب ابن شهر آشوب» از «ابن عباس» دارد:

«والعصر ان الانسان لفي خسر : يعنى أبا جهل»

مناقب آل أبي طالب - ابن شهر آشوب - ج ۲ ص ۲۶۰

«احمد الحسن» آیه را می‌خواهد معنا کند می‌گوید:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ یعنی علی ابن ابیطالب!

روایت امام صادق (سلام الله عليه) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ؛ یعنی «اعدائنا یا أعداء آل محمد» یا یک مصداقش «ابوجهل» است، وقتی این‌ها کنار هم قرار می‌گیرد در ذهن طرف جرعه ایجاد می‌کند که شاید از صد ساعت بحث علمی تأثیر گذاری اش بیشتر است.

(نستجیر بالله) باز در «متشابهات» جلد ۴، ص ۳۴ در ذیل جمله «دعای صباح»

«إلهی عقلی مغلوب»

عقل من مغلوب است.

می‌گوید: از جهت منیت و ظلمت این عبارت ادا می‌شود.

اگر این منیت و ظلمت کم در وجود علی (علیه السلام) نبود علی (علیه السلام) همان محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) بود! گفتم انسان را به یاد آن جمله جعلیات «بنی امیه» می‌اندازد که پیغمبر فرمود:

«لو لم أبعث فيكم لبعث عمر!»

ذخيرة الحفاظ ، اسم المؤلف: محمد بن طاهر المقدسي الوفاة: ۵۰۷ هـ ، دار النشر: دار السلف - الرياض -

۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: د. عبد الرحمن الفريوائي، ج ۴، ص ۲۰۰۳

یعنی وقتی انسان به قول معروف کلاچ ترمز نداشته باشد هر چه که به ذهنش بیاید و برای فریب مردم بخواهد مطرح کند همین می‌شود! حالا ما به عوام الناس کار نداریم، عوام است و عذرش هم با خودش است؛ ولی یک دسته از خواص یک دسته طلبه حوزه دیده این‌ها چیزی نیست که ما بگوییم احتیاجی به بررسی‌ها و دقت‌های خیلی ظریف علمی دارد، نه! خیلی واضح و روشن است ما هم عربی و هم فارسی آن را آوردیم.

«من جهة الانا والظلمة فلو لم يكن في هذا الحال لكان محمد صلى الله عليه واله»!

یا مثلاً در رابطه با حضرت سید الشهداء «متشابهات» جلد ۲، صفحه ۳۰ دارد:

«إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ دُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شِرْكِي»

ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ۲ جلد، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ:

دوم، ۱۴۰۹ ق، ج ۱؛ ص ۳۴۹

متأسفانه متأسفانه یکی از لغزش‌هایی که در «مفاتیح محدث قمی» انجام شده و قطعاً توجه نداشتند بعد از دعای عرفه یک صفحه و اندی مطالبی آورده که این مطالب را در حقیقت نباید می‌آورد و مرحوم «علامه مجلسی» می‌گوید این عبارت‌هایی که در ذیل نقل شده عبارت معصومین نیست عبارت بعضی از صوفی‌ها و امثال این‌ها است.

این واژه‌هایی که در تعابیر بعد از دعای عرفه در بعضی از جاها آمده این‌ها را ما در کلمات معصومین نیافتیم من جمله همین جمله است:

«إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ دُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شِرْكِي»

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار

إحياء التراث العربي - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۵؛ ص ۲۲۶

ایشان می‌خواهد معنا بکند به جای این که بیاید حداقل یکی از بزرگان ما «سید ابن طاووس»، «علامه مجلسی» و دیگران آمدند در این جمله منسوب به امام حسین مفصل سخن گفتند؛ یعنی چیزی نیست که این عبارت‌ها مخفی باشد یک کسی که با مبانی و کلمات اهل بیت آشنا و انس داشته باشد کاملاً مشخص است «الهی اجذبنی جذبةً فلان»! کلمه «جذبه» و «اجذبنی» و غیره در هیچ یک از دعاهاى ائمه ما نتوانستیم پیدا کنیم. اصلاً واژگانی که در این یک صفحه و اندی آمده، واژه‌هایی کاملاً نا مانوس است. ایشان می‌گوید شرک نفسانی که مخفی‌ترین نوع شرک است و همان منیت می‌باشد حضرت امام حسین این معنای شرک را که به همراه دارد قصد کرده است!!

چه شد؟! حضرت یونس گرفتار جهنم! حضرت ابراهیم بت پرست! پیغمبر خاتم الانبیاء نیست! امیر المؤمنین (إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) است! امام حسین دچار شرک است! دیگر چه کسی ماند؟! اینها نمونه‌هایی از کفریات احمد بصری است که ما آوردیم.

اینها مطالب زیادی نسبت به بزرگان دارند از جمله نسبت به مرجعی مانند آیت الله «سیستانی» نستجیر بالله دارند که شیطان است و می‌گویند که در حوزه‌های علمیه جز جهل چیز دیگری نیست. یک سری تعابیر وقیح و زشتی دارد که اصلاً با عقل سلیم نمی‌سازد. تنها این که مثل بعضی از فرق باطله و ادیان باطله بگویند و ایشان هم می‌گویند دزدی جایز است و این را هم می‌گویند دزدی جایز است و خوردن مال غیر اتباع «احمد الحسن» اشکالی ندارد؛ یعنی کاملاً فتوا داده غیر از اتباع «احمد الحسن» تمام مسلمان‌ها، شیعه و سنی همه کافر هستند «کلهم کفار»!

پرسش:

استاد! تا حالا شده کسی او را ببیند و با او صحبت کند یا نه؟

پاسخ:

دوستان خیلی تلاش کردند ببینند، خود آیت‌الله «کورانی» از این‌جا «نجف»، «بصره» و جاهای دیگر رفت تا این که ایشان را بردند به دری که می‌گفتند آن طرف در «احمد الحسن» است؛ ولی او را نشان ندادند و ما هم بارها در طول این چند سال اعلام کردیم ما حاضر هستیم با «احمد الحسن» مناظره و هم مباحثه کنیم، مباحثه از معجزات اسلام است بارها شاید بیش از ۵۰ بار من این را نقل کردم وجود خارجی ندارد.

آقای «آل محسن» از علمای طراز اول منطقه «قطیف» و «احصاء» عربستان است که شاید ما در میان طلبه‌های عرب زبان در رابطه با وهابیت کسی در سطح ایشان نداریم، من نمی‌خواهم به حوزه جسارت کنم ایشان ۲۶ جلسه با کسی که قائم مقام «احمد الحسن» بود مناظره کرد، شما در گوگل «آل محسن» و مناظره

سرچ بزنید؛ یعنی به نظر من، بهترین چیز برای فهمیدن مبانی باطل طرفداران «احمد» همین مناظره بوده است، مناظرات زیادی انجام دادند من تمام این مناظرات را گوش کردم.

دو سه شب قبل هم ایشان از «قطیف» به ما زنگ زد و نیم ساعتی صحبت داشتیم گفتیم مناظرات شما پیاده شده یا نه؟ گفت نه ما کسی نداریم گفتیم ما پیاده می‌کنیم و برای تان می‌فرستیم، خودتان ویرایش کنید مطالبی که بنا است زیاد یا کم بشود انجام بدهید تا آماده چاپ بشود ایشان خیلی خوشحال شدند من توصیه می‌کنم دوستان از اینترنت این‌ها را دانلود نکنند.

ایشان سه چهار تا کتاب در رابطه با «احمد الحسن» نوشته که کتاب خوبی هم هست؛ ولی مناظرات ایشان فوق کتاب‌هایش است. در کتاب‌ها ما یک مسیری را از الف شروع می‌کنیم تا به یاء می‌رسیم؛ ولی در مناظرات ما می‌بینیم طرف چه دارد؟

مطالب را ما می‌نویسیم ولی طرف می‌خواند و چهار تا سوال و اشکال دارد هنر این است که ما به اشکالات او در تألیفاتمان جواب داده باشیم در این مناظراتی که ایشان دارد ۲۴ یا ۲۶ جلسه است و یکی از قَدَرهای اتباع «احمد الحسن» آمده با او مناظره کند، یعنی «مکتب نجف» این شخص را به عنوان نماینده تام و تمام «احمد الحسن» معرفی کردند.

من توصیه می‌کنم حتماً این مناظرات را دوستان دانلود کنند و گوش کنند اصلاً ببینند آن‌ها چه می‌گویند؟ چون بعضی وقت‌ها بعضی از دوستان با این‌ها صحبت می‌کنند آن‌ها چهار تا مطلب می‌آورند در آن می‌مانند چون توجیه یک چیزی است که به قولی می‌گویند خدای عالم دیوانه‌ها را آفرید دیوانه‌ها هم توجیه را آفریدند!

حتی در بعضی از برنامه‌های‌شان که به طور زنده پخش می‌شد طرف در یکی از جلسات به «آل محسن» التماس می‌کند آقا از نشر این بحث‌مان جلوگیری بشود این را منتشر نکنید یعنی این قدر به افتضاح می‌افتد!

این‌ها نمونه‌های برخورد عاطفی با اتباع این‌ها است، این برخوردهای احساسی خیلی سریع جواب می‌دهد تا بحث‌های علمی.

پرسش:

بحث خواب و استخاره را هم این‌ها خیلی تأیید می‌کنند.

پاسخ:

بحث خواب و استخاره هست؛ در کتاب «المتشابهات» و غیره ادعا می‌کند که افرادی خواب می‌بینند ما یک چنین خواب نورانی دیدیم احمد هم می‌گوید بله! این بشارت بوده که شما با ما آشنا بشوید! ما هم می‌گوییم چند نفر هم گفته‌اند ما در خواب دیدیم دعوت شما (احمد بصری) دعوت شیطانی است شما باطل هستید در اینجا می‌گوید نه! این خواب‌ها، خواب‌های شیطانی بوده که شما دیده‌اید!

این بهترین راه است. حتی چند تا از دوستان نزدیک ما بعضی از طلبه‌هایی که شاید نزدیک ۲۰ سال است با ما کار می‌کنند وقتی که شروع کرده بودند حتی می‌گفتند یک مقداری ما به تردید افتادیم، امام رضا را خواب دیده بودند حضرت فرموده بود در بحث «احمد الحسن» جلو بروید و مسیرتان هم درست است از نظر طرفداران احمد الحسن وقتی علیه «احمد الحسن» خواب دیده می‌شود، این‌ها خواب شیطانی می‌شود! ولی اگر به نفع «احمد الحسن» خواب دیده شود، خواب رحمانی می‌شود!

ما از کجا بدانیم خواب رحمانی کدام است و خواب شیطانی کدام است؟ خواب‌هایی که علیه «احمد الحسن» دیدند همه را با یک جمله که همه این‌ها خواب شیطانی است رد می‌کنند! این‌ها باید روشن بشود، آن‌که خواب می‌بیند که «احمد الحسن» شیطان و دجال است، خوابش شیطانی شد؟! ملاک چیست؟ و ثانیاً ما ۱۲۴ هزار پیغمبر داشتیم اوصیائی داشتند ائمه (علیهم السلام) کدام یک از انبیاء برای حقانیت خودشان به استخاره و یا خواب متوسل شدند؟

از این ۱۲۴ هزار پیغمبر یک مورد به ما نشان دهید که بگوید ایها الناس من پیغمبری از پیامبران الهی هستم، معجزه و دلیل حقانیت من این است که شما بروید خواب ببینید این چیزی نیست که واضح و روشن نباشد.

یا اصلا استخاره از کجا آمده؟ آیا ائمه (علیهم السلام) برای حقانیت خودشان و حقانیت امیر المؤمنین و حقانیت اسلام به استخاره متوسل می شدند!!

ائمه این همه مناظرات داشتند، امام رضا -فدایش بشوم- دهها مناظره با علمای ادیان مختلف، علمای اهل سنت دارد، امام جواد (سلام الله علیه) به همین شکل اصحاب ائمه این همه مناظرات داشتند، آقای «عبدالله حسن» کتابی به نام «المناظرات فی الامامه» نوشتند، الحق کتاب خوبی است تمام مناظراتی که از ائمه (علیهم السلام) و از اصحاب و علما بوده تا ده پانزده سال قبل ایشان در آن کتاب جمع کرده است. ببینید در کدام یک از مناظرات، -مناظرات علماء را کنار بگذاریم- مناظرات ائمه و اصحاب ائمه که تربیت یافته ائمه هستند برای حقانیت ائمه یا برای حقانیت خودشان آیا گفتند ای مردم! بروید استخاره بکنید اگر استخاره خوب آمد ما حق هستیم؟ همان طور که این عزیزمان توضیح می دادند قضیه هیپنوتیزیم یک چیز ساده‌ای است آن‌هایی که تسلط دارند می‌توانند مطالبی را در ذهن خودشان بیاورند و به زبان شما جاری کنند.

شما بدون این که توجه کنید مطالبی که او از ذهنش به شما القاء می‌کند مطلب را بیان کنید، یک چیز ساده‌ای است. این فرد (احمد بصری) با سحر و جادو البته سحر و جادو بین این‌ها کم هستند شاید از میان این‌ها یکی دو نفرشان هستند که در این زمینه کار می‌کنند آن طور که ما اطلاع پیدا کردیم با سحر و جادو می‌گویند شما شب جمعه یک خوابی می‌بینید یک القائاتی می‌کند و آقا هم خواب می‌بیند دیدی دیشب خواب دیدی؟ این دلیل حقانیت ما است!

آیا این روش یک روشی است که ائمه (علیهم السلام) به این روش استدلال و استناد کرده‌اند یکی دو مورد با سند معتبر برای ما بیاورید ما هم تابع می‌شویم، این آقا بارها و بارها می‌گوید بله فلان خانم در «بصره» خواب

دیده، فلان خانم در «مشهد» خواب دیده! فلان آقای مغازه‌دار فلان جا خواب دیده! من یک دفعه گفتم این امام زمانی که به خواب این خانم‌ها و آقایان و مغازه دارها می‌آید این امام زمان یک بار به خواب یکی از مراجعی مانند آیت‌الله العظمی «سیستانی» آیت‌الله «مکارم» و دیگران بیاید بگوید این «احمد الحسن» از طرف ما است و حق هم است.

هفته بعد جواب دادند: آقای «قزوینی»! شاید به خواب مراجع آمده‌اند ولی مراجع کتمان می‌کنند! گفتیم راحت است به خواب همان خانم بیاید بگوید ما به خواب آقای «سیستانی» گفتیم و آقای «سیستانی» انکار کرده و برای مردم نگفت به خواب فلان مرجع رفتیم؛ ولی این مرجع کتمان کرده این راه دارد آقایان «فَبِهَتِ الَّذِي» شدند!

یا می‌گویند رهبر ایران، طاغوت است مراجع نستجیر بالله دزد هستند تعابیر، تعابیر خیلی وقیحی است.

پرسش:

معاون «احمد الحسن» «دکتر شبیب» است؟

پاسخ:

بله دکتر «شبیب» که در یوتیوب و این‌ها با «آل محسن» مناظره کرده البته الان عمدتاً «احمد الحسن»، «ناظم العقیلی» را که مسئول «مکتب نجف» است به عنوان نماینده فرهنگی خودش معرفی کرده، قبلاً «سید حمامی» بوده؛ ولی عمدتاً بحث‌ها در مباحث فرهنگی روی «مکتب نجف» است در «مکتب نجف» هم «ناظم العقیلی» است از این ۳۰۰-۴۰۰ تا کتابی که در سایت‌شان گذاشته‌اند غالب این کتاب‌ها تألیف «ناظم العقیلی» است.

پرسش:

اهانت‌هایی که کرده به اهل تسنن هم دارد یا نه؟

پاسخ:

در تکفیر بله، ایشان در «پاسخ‌های روشنگر» عبارتهایی نسبت به اهل سنت دارد.

«اکثرهم الان انحرافوا عن نهج اهل البيت و ساروا برکاب امریکا و اذناها بل حتی فقهاء الشیعه ... فکلّ من قال بانتخاب الناس و اتخذ غیر القرآن دستورا و سار برکاب امریکا فنحن نبرأ منه ولا نعتبره من شیعة آل محمد بل هو من اعدائهم وین اظهر محبتهم بلسانه»

الجواب المنیر، ج ۳، ص ۱۲۴

در این جا می‌گوید: گفتار و نوشته‌های فقهای شیعه، سنی و مسیحی که من بر آنها وقوف یافتم در واقع نوشته‌ها و گفته‌های بی‌مایه است؛ فقط به درد بازار گرمی خودشان می‌خورد و فقط به کار فریفتن برخی پیروان خرفت و تخدیر شده آنها که به جهل راضی هستند می‌آید نه بیشتر!

این کسانی که وجوب تقلید را بر شما فرض گرفته‌اند سوداگران مد و مستغلات و پیرو شهوات هستند این‌ها نه خواهان آخرت هستند و نه رابطه‌ای با آخرت دارند!

این‌ها نمونه‌هایی از حرف‌های این شخص است.

در جای دیگر ایشان به صراحت تعبیر می‌کند «سید احمد الحسن» به اسم امام محمد اعلام می‌کند هر کس بعد از تاریخ ۱۳ رجب ۱۴۲۵ الان ما ۱۴۴۰ هستیم - یعنی ۱۵ سال قبل - به این دعوت نپیوندد و آشکارا بیعت را برای وصی و رسول امام مهدی اعلام نکند از ولایت علی ابن ابیطالب خارج و به این سبب به جهنم وارد خواهد

شده! و چه بد ورودگاهی است تمام اعمال عبادی او اجمالاً و تفصیلاً باطل است! یعنی غیر از همین چند نفر دیگر کسی باقی نماند!

پرسش:

از علمای اهل سنت کسی موضع گیری کرده است؟

پاسخ:

تا به حال من ندیدم، وهابیت پشت صحنه هستند البته آنچه که ما اطلاع داریم عمدتاً الان منافقین ساپورت مالی اینها را به عهده گرفته اند، مسائل مالی اینها از «سوئد» می آید این که چه رمز و ارتباطی بین اینها است ما نمی دانیم، همین «موسوی» که جزو مبلغین شان است و الان در زندان به سر می برد ایشان جزو اعضای شورای اصلی منافقین، زمان آن خبیث ملعون «مسعود رجوی» بوده است.

پرسش:

حاج آقا ایشان اعجازی هم داشته معجزه های و چیزی از او گفتند؟

پاسخ:

معجزه همینها است که عرض کردم!

می گوید: «یکی از معجزات من این است که می دانم قبر حضرت زهرا (سلام الله علیها) کجا است! به من گفتند قبر حضرت زهرا در «بقیع» است!»!

این شد معجزه! و حال آن که ما روایت صحیح و صریح داریم «شیخ صدوق» قاطعانه می‌گویند قبر صدیقه طاهره (سلام الله علیها) در منزلش است. اقوال مختلف را نقل می‌کند اقوال بین محراب و منبر، «بقیع» و غیره ایشان به قطع می‌رسد که حضرت در منزل دفن شده است.

فرض کنیم این معجزه تو است از کجا من بفهمم از کجا بدانم که، این واقعاً درست است یا درست نیست؟ یعنی نستجیر بالله برویم نبش قبر بکنیم؟! بلا تشبیه بلا تشبیه به یکی گفتند ناف زمین کجا است؟ گفت آن‌جا که میخ طویله الاغ من است! قبول ندارید متر کنید!

پرسش:

آیا آن‌ها یک مکتبی هم در «مصر» دارند؟

پاسخ:

بله در مصر مکتب دارند ولی در آن‌جا شکست خورد. مکتب «مصر» شان شکست خورد. مکتب «عربستان» شان شکست خورد. اخیراً یک کسی را در «بحرین» فرستادند می‌گویند با «احمد الحسن» سه ماه بوده، تمام نوشته‌هایش که ۲۰۰ صفحه بوده به «قم» آورده و با یکی از آقایان مراجع دیداری داشتند، ما خدمت‌شان بودیم به من گفت آقای «قزوینی» این‌ها پول می‌دهند یا نمی‌دهند؟ گفتم نه این‌ها پول می‌گیرند گفتند اگر پول نمی‌دهند من نیستم البته شوخی می‌کرد!

گفتم در نماز جمعه «جعفریه» خطیب جمعه‌شان به طلبه‌هایی که آن‌جا بودند گفت بروید کتاب و ماشین و فرش‌تان را بفروشید اسلحه تهیه کنید تا «احمد الحسن» دستور بدهد ما قیام بکنیم طلبه‌ها را پانصد تا پانصد تا قتل عام بکنیم تا زمینه برای ظهور فراهم بشود!

پرسش:

این یک نوع سرکاری است که همه ما را سرکار گذاشتند از ضعف حوزه‌های علمیه و امور ما استفاده می‌کنند هر روز یک مدل می‌آورند به همه ما نشان می‌دهند.

پاسخ:

ضعف نیست! خواب ما است نگویید ضعف ما، از خواب ما استفاده می‌کنند «الناس نیام» حوزه‌های علمیه ما خواب هستند.

پرسش:

سرویس‌های جاسوسی پشت این برنامه‌ها است «احمد الحسن» شاید دروغ باشد.

پاسخ:

به تعبیر حضرت امیر:

«مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أُنْبَهَتْهُ الْمَكَائِدُ»

لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، جلد، دار الحدیث - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶

ش، ص ۴۴۱

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»